

## سال تحصیلی جدید و عقب‌نشینی حاکمیت

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

### قتلگاه موریا و توحش اروپای «متمدن»

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)



## جولین آسانژ در اپیزود

### «زندانی سیاسی»

فواد عبداللہی

جولین آسانژ مدیر مسئول شبکه جهانی «ویکی‌لیکس» که اسرار دولت‌ها را افشاء می‌کند به مدت ده سال است تحت پیگرد مستقیم پنتاگون و در «لیست شکار» دادستان کل ایالات متحده آمریکا است؛ پس از ۷ سال پناهنده شدن به سفارت اکوادور در لندن، پارسال پلیس انگلستان در یک تبهانی با دولت آمریکا و اکوادور عملاً در یک عملیات آدم‌ربایی و جلو چشم همه، آسانژ را دستگیر و به زندان «بلمارش»، مشهور به «گوانتاناموی بریتانیا» منتقل کردند؛ وی در تمام این یکسال تحت فشار و بازجویی و شکنجه روانی توسط دستگاه‌های مخوف اطلاعاتی بریتانیا و دادگاه قضایی این کشور بوده است. اکنون نزدیک به چهار روز است که وی منظور استرداد کامل به دولت آمریکا ظاهراً اپیزود آخر از «دادگاهی» و محاکمه خود را طی می‌کند. ... صفحه ۲

## در حاشیه اجلاس اضطراری اتحادیه

### کشورهای عرب

امان کفا



بالخره جلسه اضطراری اتحادیه کشورهای عرب با ریاست هیئت فلسطینی در چهارشنبه گذشته برگزار شد.

جلسه ای که قرار بود پس از امضای معاهده اخیر اسرائیل و امارات متحده، به قطعنامه ای منجر شود که طبق آن کشورهای عربی بار دیگر بر اینکه هرگونه رابطه مستقیم با اسرائیل منوط به تخلیه ارتش اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی است، را تأیید کنند. در مقابل آلتیامتوم‌های متعدد، از الفتح و دیگر گروه‌های فلسطینی که از پیش در این مورد صادر شده بود، هیئت فلسطینی در پایان جلسه اعلام کرد که این قطعنامه با مخالفت بحرین و امارات، مواجه شد و نه قطعنامه تصویب شد، نه امارات متحده «تنبیه» شد، اما همه شرکت کنندگان به «خواست مردم فلسطین» ابراز وفاداری کردند! فراتر اینکه، تا حتی روز قبل از جلسه، محمود عباس نیز جهت حفظ «پرچم متحد عرب»، خواهان مقابله با هرگونه خدشه دار شدن نام حاکمان امارات متحده شده بود! معاهده اخیر امارات و اسرائیل، بر خلاف ادعای میدیای این معاهده نه یک «واقعه تاریخی» بلکه صرفاً رسمیت بخشیدن به رابطه جاری بین دو کشور است. حتی اجازه پرواز هواپیماهای اسرائیل بر فراز عربستان سعودی، صرفاً نشان دهنده درجه «مخالفت‌های» عربستان سعودی با این معاهده است... صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

HEKMATIST.COM

۳۲۴ هفتگی

حکمتیست

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰ - ۲۰ شهریور ۱۳۹۹  
پنجشنبه‌ها منتشر میشود

## سلاخی خیزش توده ای در لبنان

آذر مدرسی

فاجعه بیروت و قربانی شدن صدها نفر و ویرانی بخشی از بیروت، میرود به نقطه تعیین کننده ای در تحولات سیاسی در لبنان و بویژه در سیر خیزش عظیم توده ای برای پایان دادن به پروژه قومی و مذهبی کردن لبنان، خلاصی از حاکمیت قومی-مذهبی و فاسد و پایان دادن به فقر و فلاکت تبدیل شود. پیش از این فاجعه هم، بحران اقتصادی در لبنان و خطر فروپاشی اقتصادی، گسترش اعتراضات توده ای، بحران سیاسی و خطر به زیر کشیده شدن کل سیستم و حاکمیت موزائیکی در لبنان و تأثیرات آن در فضای سیاسی متحول منطقه ای که دستخوش اعتراضات و خیزشهای توده ای است، معضل نه فقط حاکمیت در لبنان که معضل بورژوازی منطقه ای و جهانی بود. انفجار بیروت در این میان به امکان و دریچه ای نه فقط برای حل و فصل کشمکش‌های منطقه ای و جهانی که برای حفظ سیستم موجود در لبنان، سرپا نگاه داشتن حکومت موزائیکی، حتی به بهای تغییراتی در توازن قوا میان بلوکها و نیروهای سیاسی در لبنان، تبدیل شده است.

حضور فوری مکرون، به نمایندگی از طرف دول اروپایی در لبنان و ملاقات وی با سران همه احزاب منجمله حزب الله لبنان، علیرغم مخالفت‌های لفظی آمریکا، اعلام آمادگی حزب الله برای «اصلاحات» و مذاکره، اعلام آمادگی اروپا و صندوق بین المللی پول برای نجات اقتصاد لبنان به شرط «رفع موانع دریافت کمکهای خارجی» و برون رفت حاکمیت از «بحران سیاسی» صورت مسئله مشترک طراحان سناریوی ارتجاعی علیه مردم لبنان بود. سناریوی نجات حکومت موزائیکی لبنان! در این میان نقی زندهای قدرتهای منطقه ای از ایران تا ترکیه بر سر سهم و نقش خود در لبنان و منطقه و ... حاشیه‌های نه چندان مهم این توافق عمومی بود.

هشدارهای مداوم سران و مقامات دول اروپایی مبنی بر اینکه بدون اصلاحات فوری و تلاش برای «جلوگیری از تداوم وضعیت آشفته کنونی»، لبنان میتواند به یک کشور «سرکش» تبدیل شود در کنار اینکه اولویت فرانسه، و بالطبع اروپا، بازگرداندن لبنان به وضعیت با ثبات سیاسی و اقتصادی قبلی» خود است، بیان روشن این استراتژی جدید بورژوازی غرب در مقابله با مردمی است که اتفاقاً نه بازگشت به «دوره با ثبات قبلی» که عبور از آن مقطع و ورود به دوره جدیدی از مبارزه است که دست همه نیروهای ارتجاعی، از حزب الله تا فلائتها، را از زندگی شان کوتاه کنند. در این میان ادعای مکرون که «ما در کنار مردم لبنان خواهیم ماند» طنز تلخی بیش نیست.

توافق سریع همه نیروهای سیاسی بر سر نخست وزیر «سنی و سکولار»!، سفر دوباره مکرون به لبنان، برنامه ریزی قدم به قدم «اصلاحات» و شروط دول اروپایی برای کمکهای اقتصادی، برنامه روشن برای کم کردن فشار اقتصادی و بحران حکومتی در لبنان، برای نجات حکومت قومی-مذهبی و نیروهای ارتجاعی از زیر تیغ اعتراض مردم معترض و مقابله با مردمی است که برای به زیر کشیدن آن دو سال است مبارزه میکنند. برنامه سلاخی کردن جنبش توده ای مردم لبنان برای خلاصی از شر ارتجاع حاکم و متحدین منطقه ای و جهانی آن!

امروز این مهمترین تهدید در مقابل خیزش مردم لبنان برای آزادی، رفاه و برابری است. باید این تهدید را جدی گرفت!

آزادی برابری حکومت کارگری

## سال تحصیلی جدید و عقب نشینی حاکمیت

عدم حضور روحانی در مراسم بازگشایی مدارس، در شرایطی که پیش تر اعلام کرده بود «بازگشایی مدارس و آموزش حضوری، علیرغم هشدارهای مراجع پزشکی در خطر گسترش وسیعتر کرونا، در دستور دولت است»، اعتراضات خانواده دانش آموزان به نبود امکانات بهداشتی در مدارس را گسترش داده و دولت و وزارت آموزش و پرورش را ناچار به عقب نشینی و پس گرفتن سیاست بازگشایی اجباری مدارس و وادار کردن دانش آموزان به حضور در مراکز آموزشی، کرد. اعلام اینکه «هیچ دانش آموزی را مجبور به رفتن به مدرسه نمیکنیم» اعلام این عقب نشینی در مقابل فشار اجتماعی مردم و هراس از تبدیل شدن آن به کشمکش جدید میان مردم و حاکمیت تا خرخره در بحران سیاسی، بود!

افاضات روحانی و وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی که «هیچ چیز جای آموزش حضوری را نمی گیرد»، «مردم ما تسلیم تحریم و کرونا نمیشوند» و تأکیدات آنان بر «اعمال نظارت دقیق وزارت خانهای آموزش و پرورش و بهداشت و درمان بر سلامت دانش آموزان و دانشجویان در مراکز آموزشی»، هم نتوانست به داد حاکمیت برسد و بر واقعیت بی مسئولیتی مطلق حاکمیت در مقابل سلامت، بهداشت و زندگی شهروندان این جامعه و عدم صلاحیت آن سرپوش بگذارد. اصرار بر بازگشایی مدارس بدون توجه به مخاطرات آن برای نشان دادن شانه خالی کردن دولت از زیر بار مسئولیت خود به دانش آموزان، خانواده های آنان و میلیونها شهروند این جامعه کافی بود.

اعلام «تامین آموزش اینترنتی»، در جامعه ای که اکثریت آن زیر خط فقر زندگی میکند، جامعه ای که بخش اعظم دانش آموزان آن حتی از تامین وسائل اولیه آموزش برخوردار نیستند، لافزنی بیمایه ای بیش نیست.

مردم آزادیخواه مدتها است از این حاکمیت، از ولی فقیه و رئیس جمهور و مجلس و دولت و ..... آن سلب اعتماد و سلب صلاحیت کرده اند و برای اعمال اراده خود، اعمال نظارت خود بر جامعه، در هر شکل آن، تلاش میکنند. کارگران، زحمتکشان، معلمان و محرومان جامعه مدتها است در مقابل حاکمیتی که مایه فقر و فلاکت و ناامنی است، حاکمانی که داراییهای جامعه را به عناوین مختلف حیف و میل کرده و جامعه را به تحمل بار گران و مشقت بار زندگی، تامین مایحتاج ضروری به چند برابر قیمت و گرانی روزافزون را بر دوش جامعه گرسنه، بیکار و اسیر فقر و فلاکت گذاشته است، قد علم کرده و اراده خود را اعمال میکنند.

امروز دیگر «اگر عرضه ندارید جامعه را اداره کنید، بدهید ما آنرا اداره میکنیم» حرف کارگر هفت تپه و فولاد و هیپکو نیست. امروز این حرف اکثریت عظیم این جامعه است، حرف دانشجو، دانش آموز، خانواده های آنان و .... است. باید در مقابل حاکمیتی که رسماً از خود در مقابل تضمین امنیت جانی و آموزش فرزندانمان سلب مسئولیت میکند، ایستاد.

باید نظارت بر تامین امکانات بهداشتی و اطمینان از سلامتی دانش آموزان در آموزش حضوری، طبق استاندارد جهانی برای مقابله با کرونا، نظارت بر تامین و تهیه ابزارهای آموزش از راه دور به خرج دولت، تأیید استانداردها، تامین امکانات و ..... به خانواده دانش آموزان سپرده شود. باید با اتکا به نیروی خود، فشار از پائین و اعمال اراده خود آموزش رایگان از دبستان تا دانشگاه را به دولت تحمیل و آنرا متحقق کرد.

حزب حکمتیت - خط رسمی  
۱۹ شهریور ۹۹ - ۹ سپتامبر ۲۰۲۰

جولین آسانژ در اپیزود...

ویکی لیکس در سال ۲۰۱۰ با انتشار بیش از ۲۵۰ هزار سند محرمانه سفارتخانه های آمریکا، لرزه ای شدید به جان دنیای سیاست انداخت. آسانژ از جمله اسنادی را منتشر کرد که جزئیاتی را درباره عملکرد جنایی نیروهای نظامی آمریکا و اهداف سری دولت های غربی در جنگ های عراق و افغانستان افشا می کرد. محاکمه جولین به قول پدرش «محاکمه انسانی است که معتقد است که اطلاعات سری دولت ها باید افشاء شوند و در دسترس عموم مردم قرار بگیرند... انسانی که بعد از گذشت ۷ سال حبس در سفارتخانه اکوادور در لندن از حق پنهانندگی هم محروم شد.. اکنون دولت انگلیس و آمریکا در یک نقشه از پیش طراحی شده، همان ادعاهای «دمکراسی» و «آزادی بیان» و «حقوق بشر» خود را هم زیر پا گذاشتند و تحت عنوان «اسرار و امنیت ملی» میخواهند با جان و پرونده جولین معامله سیاسی کنند».

و درست همینجاست که محاکمه آسانژ فراتر از سلاخی مقوله آزادی بیان می رود و به مقوله یک «زندانی سیاسی» تبدیل می شود! بیان حقیقت در اشکال نامتعارف و خارج از قاعده و انحصار دولت ها تحت عنوان «آزادی بیان»، همان ده سال پیش توسط دول فخمیه بریتانیا و آمریکا و سوئد به صلیب کشیده شد. همان موقع که دادگاه ها و دادستان ها و وزارتخانه های دول غربی، آسانژ را در «لیست شکار» خود قرار دادند و با پاپوش دوزی های اخلاقی سعی در خرد کردن شخصیت وی در افکار عمومی داشتند، محاکمه «آزادی بیان» توسط «دمکراتیک»ترین حاکمان جهان «دمکراسی پارلمانی» شروع شد و تمام شد. اکنون آسانژ سیاه روی سفید، زندانی سیاسی است؛ اطلاق «محاکمه» و «دادگاه» به نمونه آسانژ ایداً موجه نیست؛ این یک نمونه آشکار معامله و بند و بست سیاسی بین دولت آمریکا و دولت بریتانیا است؛ و دقیقاً همین وجه کره معامله گرایانه مسئله است که افکار عمومی و احساسات مردم متمدن اروپا در دفاع از آسانژ را توضیح می دهد؛ «محاکمه» آسانژ نمونه آشکاری است از بی حقوقی یک زندانی سیاسی! منافع بورژوازی آمریکا و بریتانیا ایجاب می کند که آسانژ متهم بماند. کافی است که دولت انگلستان در محاکمه آسانژ سنگینی کفه ترازو را بنفع خود ببیند و به این نتیجه برسد که استرداد وی به دولت آمریکا به نفع جناب ترامپ در روند انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود؛ این دو دولت مرتجع دست راستی، دوستان دیرینه همدیگراند؛ عضو یک کلوپ و یک باشگاه اند؛ از یک سنخ اند، از هم تأثیر می گیرند و در روزهای سخت به هم نان قرض داده اند. نباید اجازه داد که بر مت بحران عمیق حاکمیت سیاسی و اقتصادی معاصر قدرت های بورژوازی و دولت هایشان، جولین آسانژ وجه معامله مناسبات کثیف سیاسی میان آنها جهت کسب دوباره مشروعیت سیاسی بر باد رفته شان بشود. نباید اجازه داد که دولت های آمریکا و بریتانیا و دیپلماسی مخفی آنها به بهانه «خنده دار شدن امنیت ملی» شان در تعرض به آسانژ و زندانیان سیاسی، از جنبشی که تحت نام «بگذار نفس بکشم» از آمریکا تا اروپا و خاورمیانه را علیه نظم و نظام کاپیتالیستی به حرکت درآورده است، انتقام بگیرند؛ چنین محاکمات فرمایشی و نمایی تنها بر خشم و نفرت میلیون ها انسان از حاکمیت دولت های سرمایه داری از آمریکا تا اروپا و خاورمیانه خواهد افزود. نقطه عزیمت «کیس» آسانژ این است که به یک جنبش جهانی علیه نظم حاکم بر جهان امروز گره خورده است و بخشی جدایی ناپذیر از آن است؛ جنبشی که هم اکنون سد انحصار اطلاعات و اسرار دولت ها را در هم شکسته است؛ جنبشی که خواهان برچیدن حضور دستگاه پلیس و جاسوس در محل کار و زندگی است؛ جنبشی که دیگر چشم به انتظار معجزه از بالا نیست؛ از دریچه رسانه های نان به نرخ روز خور بورژوازی به جهان پیرامونش نگاه نمی کند؛ جنبشی که حقیقت را در عبور از بستر رسمی سیاست در کردیورهای «دمکراسی پارلمانی»، یافته است؛ جنبشی که نمادهای بردگی، جهالت و خرافه را در گوشه گوشه جهان امروز همین چند ماه پیش به بهانه قتل «جورج فلویید»، بزیر کشید؛ جنبشی که تندیس های برده داران و سمبل های دمکراسی بازار و پارلمان تار پسم را به دریاها انداخت و طعمه کوسه ها کرد. این جنبش پشتوانه آسانژها، اسنودنها و جلسی منینگها است؛ یک مطالبه جدی جنبش ما لغو دیپلماسی سری دولت ها و دسترسی توده عظیم مردم به اطلاعات و اسناد دولت ها است؛ یک مطالبه اساسی و پایه ای جنبش ما پایان دادن به مقوله «زندانی سیاسی» است؛ جنبش ما ناچار است که روند محاکمات فرمایشی و نمایی آسانژها را به عکس خود تبدیل کند؛ به روند محاکمه جنایتکاران جنگی تبدیل کند؛ ما به محض قدرت گرفتن جای متهم با شاکی را عوض خواهیم کرد. دست جنبش ما از مدارک و اسناد دادگاهی سران و حکمرانان جهان امروز، از نمونه های ظاهراً سفید آن در غرب تا نمونه های سیاه آن در خاورمیانه پر است. ویکی لیکس و آسانژ تنها گوشه ای از کيفرخواست بشریتی است که تشنه حقیقت و رفاه، آزادی و برابری است.

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

تا جائیکه به کمپ ترامپ- نتانیاهو برمیگردد، و هیاهو حول این معاهده اساسا ارزش مصرف داخلی داشته و قرار است موقعیت شکننده هر دو را ترمیم ببخشد و برای ترامپ فرصتی برای تبلیغات انتخاباتی فراهم کنند. این معاهده نه منشا تغییر جدیدی در رابطه بین اسرائیل و کشورهای عربی، بلکه بازتاب شرایطی است که در دنیای امروز در جریان است.

«جلسه اضطراری» اتحادیه کشورهای عرب نیز، به همین ترتیب، بیانگر شرایط امروز چه در سطح منطقه و چه در سطح بین المللی است. اشتراک نظر شرکت کنندگان در این اجلاس بر سر عدم دخالت ایران و ترکیه و خواست پایان دادن دخالت آنها «امور داخلی» کشورهای منطقه منجمله در عراق، لیبی، لبنان... را نیز باید در بطن دنیای امروز بر مت کشمکشها و تحولات و تغییرات توازن قوا میان قطبهای جهانی دید.

تغییرات دائمی در بالانس و نقش قدرتهای بین المللی، از جمله افول موقعیت آمریکا در جهان و منطقه، تا این حد که حتی آمریکا مجبور است تا به دولت اسرائیل متحد خود فشار بیاورد تا در قرارداد طولانی مدتش با چین تجدید نظر کند، تلاش اتحادیه اروپا و مشخصا فرانسه در لبنان و کشورهای خلیج جهت گسترش دامنه نفوذ خود در منطقه، تلاش روسیه در تبدیل به نیروی اصلی در سوریه و بهبود روابط با اسرائیل و ترکیه و ایران و تحکیم موقعیت خود در منطقه است... افق بازگشت دوباره به دوره با ثبات منطقه گذشته را کاملا مسدود کرده است.

در بُعد منطقه ای، از یکطرف زد و بندها و جبهه ها و اتحاد های سابق، کارکرد خود را از دست داده است. یکبار عربستان و امارات، در یک جبهه دست به تحریم قطر می زنند و همزمان در رابطه با لیبی، و یا یمن و سودان، در جبهه های متقابل هم حضور دارند. جامعه ناسیونالیسم فراملیتی عرب، به کرات عدم توانایی خود برای هضم تنش ها و رقابت های موجود در میان بورژوازی حاکم در هر کدام از کشورهای عرب را نشان داده است.

از طرف دیگر رشد اعتراضات و ابراز وجود توده چند صد میلیونی در این کشورها، و مقابله با تمام داده ها و مفروضات گذشته چهره دیگری به منطقه داده است. مدتی است که دوره تقلیل مسئله فلسطین به جدالی «مذهبی - اسلامی» در این منطقه به سر آمده است. همانطور که پرده «اسلامی - ضد آمریکایی» که به اعتراضات در این منطقه آویزان کرده بودند با به میدان آمدن توده وسیع مردم در بهار عربی، از هم دریده شد، و سپس داعش، چهره واقعی تفاله های افراطی ارتجاع «جنش قومی-مذهبی» در مقابله با هرگونه ترقی خواهی و برابری طلبی را به نمایش گذاشت و دفع شد، ناسیونالیسم فراملیتی عرب هم، تاب مقاومت در دنیای امروز را ندارد. شکست خیمه شب بازی های میانجی گری های «سران عرب»، و ناتوانی شان در مقابله با اعتراضات اخیر در عراق و لبنان، نمونه های حی و حاضری از پایان این دوره و بروز دیگری از همین شرایط است.

در چنین شرایطی، بورژوازی حاکم در هر یک از این کشورها نیز، دنبال راهی برای سرپی نکه داشتن خود و تامین امکانات حفظ حاکمیت خود است. به عبارتی دیگر، تمامی رقابت ها، دوری و نزدیکی های بین این کشورها را، تنها بر مت و پایه همین اوضاع فعلی قابل بررسی است.

بی جهت نیست که ادعای حکام امارات متحده دال بر «حق پیشبرد منافع کشور خود» مورد تایید و قبول شرکت کنندگان در اجلاس اتحادیه عرب قرار می گیرد. این ادعا، همان سیاستی است که در بازار تولید نفت هم به وضوح خود را نشان می دهد. این همان شرایطی است که در عین حال بر عدم توانایی بورژوازی حاکم و دولت هایش در این کشورها در حل مسئله فلسطین، باری دیگر تاکید می گزارد. هیاهوها و اشک تمساح ریختن چه سران عرب، چه دولت های ترکیه و یا ایران، و غیره، امروز برای مردم فلسطین، بیش از هر دوره دیگری پوچ و رقت انگیز شده است.

امروز بیش از گذشته، حل مسئله فلسطین، نه از التیام زخم قدیمی ناسیونالیسم عرب از سرزمین های اشغالی توسط دولت فاشیستی اسرائیل، بلکه چاره خود را از طریق به پایان کشیدن خود همین بورژوازی حاکم در تک تک این کشورها دنبال می کند.

یک

دنیای

بهتر

# برنامه حزب حکمتیست (خط رسمی) را بخوانید و به نزدیکان خود معرفی کنید!

نه قومی نه مذهبی زنده باد همیت انسانی



## قتلگاه موریا و توحش اروپای «متمدن»

نیمه شب سه شنبه ۱۸ شهریور شعله های مهیب آتش در اردوگاه موریا (بزرگترین زندان پناهجویان در یونان) تنها سرپناه و هست و نیست سیزده هزار پناهجو اسیر در این زندان، که پیش از آن به بهانه شیوع ویروس کرونا قرنطینه شده بودند، را در خود بلعید!

شاهدان عینی و نهادهای مدافع حقوق پناهجویان از درگیری میان پناهجویان و نیروهای انتظامی یونان، از شنیدن صدای تیراندازی و به دنبال آن آتش سوزی همزمان در سه نقطه کمپ در ساعت ۱۱ شب سه شنبه میگویند. آتش سوزی به سرعت در اولین ساعات نیمه شب چهارشنبه به مرکز کمپ رسیده و پس از چند ساعت بخش عمده آنرا با خاک یکسان کرد.

دولت یونان، البته در توافق با اتحادیه اروپای «متمدن» سیزده هزار نفر را در اردوگاهی با ظرفیت حدود سه هزار نفر زندانی کرده و زمانیکه مردم بیگناه تلاش در فرار از این جهنم را دارند، اردوگاه را محاصره و جاده های ورود و خروج را مسدود میکنند.

پس از گذشت دو روز از فاجعه هنوز هیچ کمک رسانی از طرف دولت یونان یا دول فحیمه و «متمدن» غربی که هیاهوی «درکنار پناهجویان هستیم»، «ما پناهجویان را تنها نخواهیم گذاشت» گوش ها را کر میکرد، خبری نیست. دولت یونان با «گشاده دستی» تمام اعلام کرده است که برای قربانیانی که سرپناه خود را از دست داده اند چادر زده میشود و کودکان و نوجوانان بدون سرپرست ساکن اردوگاه که حدود ۴۰۰ نفر هستند از لسبوس به نقطه دیگری منتقل خواهند شد. سایر دول «متمدن» اروپایی هنوز از پذیرش پناهجویان سرباز میزنند و همزمان از ضرورت دفاع از اروپا در مقابل پناهجویان و فراریان از جنگ و ویرانی، به تجدید نظر درسیاست ممانعت از فرار پناهجویان از ترکیه به اروپا، حرف میزنند.

قربانیان حمله به افغانستان و عراق، فراریان از جنگ در سوریه و تخریب لیبی و یمن، فراریان از جهنم دست ساز قدرتهای جهانی و منطقه ای، شهرهای ویران شده و کشتارگاه هایی که زمانی مدرسه و بیمارستان و دانشگاه و کارخانه نام داشت را به امید دستیابی به امنیت پشت سر میگذارند و در اردوگاه هایی چون موریا اسیر میشوند.

فاجعه موریا، از تلنبار کردن سیزده هزار نفر در اردوگاهی با ظرفیت سه هزار نفر، با کمترین امکانات بهداشتی و زندگی، تبدیل آن به زندانی غیر قابل فرار به بهانه شیوع کرونا، تا آتش سوزی و تراژدی عظیم انسانی آن، گوشه کوچکی از قساوت مطلق دول غربی در قبال قربانیان خود را به نمایش میگذارد.

مقابله با این قساوت سازمان یافته و دولتی، با سیاستهای ضد انسانی دولت های درگیر علیه فراریان از جهنم دست ساز آنان، اولین وظیفه بشریت متمدن در دفاع از زندگی و حرمت انسانی این شهروندان کره خاکی است. جامعه بشری نباید این درجه از قساوت و بیرحمی را، تحمل کند. نباید با سکوت چشم بر این توحش افسار گسیخته ببندد. عاملین این توحش سازمان یافته، از دولت دست راستی یونان تا شرکای اروپای او باید جوابگو باشند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۹ شهریور ۹۹ - ۹ سپتامبر ۲۰۲۰



**قدرت طبقه کارگر در اتحاد اوست!**  
**کارگران جهان متحد شوید!**

صدای آزادی، صدای برابری



**تماس با حزب**

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

**حکمتیست هفتگه**

سر دبیر: فواد عبداللهی